

میدون و سوفیا

واقعا ترمنش کجاست سوفیا؟



یوریا عالمی

● سوفیا... عشقم... این صدهزارمین نامه‌ای است که برای تو می‌نویسم، اما آیا برود میخ آهنین من در سنگ قلب تو؟ نمی‌دانم.

وقتی نگاه می‌کنم می‌بینم من در عاشقیت با تو مثل اصلاح طلبان هستم با کشور؛ یعنی جفت ما مدام حرف می‌زنیم و مدام نامه می‌نویسیم و مدام منتظریم ما را تحویل بگیرند. خود من یک عمر منتظرم که بابای تو یعنی سوفیا اجازه بدهد من بیایم خواستگاری. اینکه تو به من رای بدهی یا نه که اصلا مهم نیست؛ مهم این است که من بتوانم بیایم خواستگاری فقط! می‌بینی خیلی حداقلی هستم! درست مثل اینکه یکی از اصلاح‌حاتی‌ها بخواهد کاندیدای ریاست‌جمهوری شود. راستش سوفیا، من ممکن است آدم کلکی باشم، ولی آدم صادقی هستم. حقیقتش من هم مثل اصلاح طلبان تخصصم مماشات و منتظربودن است؛ یعنی من هم مثل اصلاح طلبان طوری منتظر تأییدم و نوبتم بشود که وقتی تأیید می‌شوم و نوبتم می‌رسد بلد نیستم چی کار کنم! یعنی من فکر می‌کنم رانندگی اصولگراها غلط است، اما وقتی فرمان را می‌دهند دستم، می‌روم توی دیوار.

می‌دانی عشق زیبای من؟ من هشت سال با خواستگارهای تو جنگیدم، درست همان کاری که با احمدی‌نژادی‌ها کردم. خب چی شد؟ حالا باید چی کار کنم؟ درست مثل آن بابایی که پاش را گذاشته بود روی گاز لامبورگینی و می‌رفت. بهش گفتند یواش‌تر! گفت شماها تا حالا لامبورگینی داشتید؟ گفتند نه. گفت پس خفه شیدا کم! بعد سرعت رسید به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت. داد زدند یواش عمو! یواش! طرف دوباره گفت: شماها تا حالا لامبورگینی داشتید؟ همه گفتند نه! گفت پس خفه! یکی از آن ته گفت: من داشتم، بطور مگه؟ طرف گفت پس بگو ترمنش کجاست!

سوفیا... واقعا ترمنش کجاست؟

حالا تو شاید بگویی چرا من در مرحله نامه‌نوشتن به تو ماندم و پا پیش نمی‌گذارم؟ راستش بابای تو خیلی شیطان‌پلاست. او هر دفعه من ایده خواستگاری از تو را در رسانه‌ها مطرح می‌کنم، سریع دوتا پروژه می‌دهد بهم و سیبلم را غیرمستقیم چرب می‌کند و من هم سرم گرم می‌شود.

ایین نامه را هم چون عذاب وجدان داشتم برای تو نوشتم. موضوع این است که می‌خواستم یک گرا بدهم به بابات که پروژه‌ها دارد تمام می‌شود و اگر می‌شود یک بولتنی، روابط‌عمومی‌ای، هیئت‌مدیره‌ای چیزی بدهد که سرم گرم شود و بی خیال تو بشوم.

عاشق خریداری شد تو میدون دوم

پیشخوان

بحران آب در هنر و تجربه



● تازه‌ترین شماره ماهنامه «سینمای هنر و تجربه» با نگاهی خاص به بحران آب در سرزمین ما منتشر شده و به همین علت تصویر رضا کیانیان و محمد درویش روی جلد آن آمده است. این موضوع در میزگرد «نسبت سینما و بحران آب» با حضور این دو نفر فعال محیط زیست و بازیگر مطرح شده که صفحات ۱۸ تا ۲۹ مجله را به خود اختصاص داده است، اما بخش بزرگی از مطالب این شماره ماهنامه به نقد‌ها و یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای مربوط به تازه‌های اکران هنر و تجربه مربوط می‌شود و فیلم‌هایی مانند «آندرانیک»، «قطار مسیر ۶۰»، «مثل یک زن»، «آنها»، «جوجه‌ها آخر پاییز جیغ می‌کشند»، «پناه»، «دنیا تهایی کم ندارد»، «راز ماندگاری» و «جنبل». به‌علاوه فیلم‌های «کلدن‌تایم»، «پولاریس»، «تالان»، «و کیارستمی ادامه دارد» و همچنین «بمب؛ یک عاشقانه»، «آتاق تاریک»، «درساژ» و «همه می‌دانند» نیز از جمله فیلم‌های هنر و تجربه یا سینمای بدنه هستند که در شماره بهمن مجله به آنها پرداخته شده است. شماره ۱۸ دوره جدید سینمای هنر و تجربه در ۲۱۰ صفحه و به قیمت ۱۰ هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان هنر و به‌ویژه سینما قرار دارد.

کنه

کانون وکلا در بازداشتگاه اوین مشاوره رایگان می‌دهد

● ایسنا؛ کانون وکلای دادگستری در بازداشتگاه اوین به زندانیان و خانواده آنان مشاوره رایگان می‌دهد. به گزارش روابط عمومی بازداشتگاه اوین، در پی تفاهم‌نامه بین اداره کل زندان‌های استان تهران و کانون وکلای دادگستری تهران، جلسه‌ای با حضور مسئولان اداره معاضدت کانون در زندان اوین برگزار شد. در این جلسه مقرر شد در راستای تفاهم‌نامه صورت‌گرفته هفته‌ای چهار روز تصدای از وکلا با حضور در بازداشتگاه اوین، به‌صورت رایگان نسبت به مشاوره و معاضدت حقوقی - قضائی به زندانیان و خانواده آنان در سالن ملاقات بازداشتگاه اقدام شود.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۷ • ۲۰ جمادی‌اول ۱۴۴۰ • ۲۷ ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۵۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنفرها

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس



منظومه خاموش ۱۷

عملیات با کراوات

جلوتر، اما آنهایی که ما باید درگیرشان می‌شدیم در قسمت چپ همان خاکریز مستقر بودند؛ همان محوطه صدمتری که به اندازه یک شهر، استحکامات و مهندسی رزمی خرچش شده بود و سر تا پا مسلح بود.

در پشت خاکریز، قبل از ما گردان میثم از لشکر خودمان - لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) - برای پدافند مستقر بودند. ما هم هرکدام توی یکی از سنگرها چپیدیم و به‌عنوان میهمان ناخوانده مزاحم عزیزان میثمی شدیم. به سنگری گرد و فسقلی و بی‌سقف خزیدم که دو نفر تویش نشسته بودند. با رفتن من جایشان تنگ‌تر شد، اما مرا با محبت پذیرفتند. حدود یک ساعت بعد که به زمان عملیات نزدیک‌تر می‌شدیم و منتظر دستور حرکت بودیم یک مرتبه عراق، منطقه را زیر آتش گرفت. انکار می‌دانستند که ایران خیال دارد تا حد ممکن عملیات را ادامه بدهد و فرصت بازسازی به دشمن ندهد. بنابراین هر شب منتظر عملیات ما بودند.

آتش عراق، هم روی خاکریز بود و هم روی جاده تدارکاتی پشت ما که قرار بود گردان مالک از آن جاده خودش را به ما برساند و بعد از ما عملیات کند. آتش یکباره شدید شد و فشار به حدی بود که کمتر کسی می‌توانست حتی سرش را از سنگر بالا بیاورد. سوت خمپاره قطع نمی‌شد و انفجارها بی‌پدری بود. گاهی خمپاره به‌قدری نزدیک ما به زمین می‌خورد که در اثر انفجارش خاک به سرورومیان می‌ریخت. موج انفجار گرچه آن‌قدر شدید نبود که ما را به‌اصطلاح «موجی» کند و بر اعصاب یا اعضای بدنمان فشاری واردکنده وارد کند، اما بر گوش و اعصابمان فشار می‌آورد. گاهی خمپاره‌ای در پشت خاکریز و توی دریاچه به‌رحال آرام‌م می‌کرد. سعی می‌کردم مرتب به خودم بقیولانم و تلقین کنم که تو به اینجا آمده‌ای که دیگر برنگردی... اما به این سادگی‌ها هم نبود!

شب در پشت خاکریزی مستقر شدیم. عراقی‌ها در مقابل ما نبودند؛ یعنی بودند، اما خیلی



خمپاره‌ای منفرج شد.



فریدون مجلسی

هولوکاست و سیاست یهودی‌ستیزی نازیسم هیتلری نشان از خطر بزرگی دارد که می‌تواند حتی جوامع مدعی توسعه و پیشرفت فرهنگی را گرفتار کند. پوپولیسم بر موج جهل و تعصبات عامیانه سوار می‌شود و آنان را که معمولاً نه نقشی و نه صلاحیتی برای مدیریت جوامع خود دارند به بازی می‌گیرد و بازی مدیریتی آنان همواره با خشونت و فساد درمی‌آمیزد و آثار خطرناکی به بار می‌آورد.



عبدالرحمن نجل رحیم مغز پړوه

بدیهی است که تجربه آگاهانه‌ای از دوران پیرامون تولد خود نداریم. آنچه از این دوران می‌دانیم از منظر سوم شخص دانا از طریق دانشی است که از سرنوشت مشترک انسانی خود از طریق علوم امروزیمن کسب کرده‌ایم. ششم بهمن به عنوان روز تولدم در شناسنامه ثبت شده است. به تقویم نگاه می‌کنم، یک روز از آن گذشته است. به صرافت می‌افتم تا پس از این همه سال برگردم با شگفتی به یافته‌های دانش امروز درباره اتفاقات مهم پنهان در این دوران خطیر، یعنی چند ماه پیش و پس از تولد نگاه کنم. شاید بدین ترتیب، نوری تأییده نشود، هرچند اندک، به تاریکی دورانی از زیست که گزارشی دست اول از سوی «من» یعنی «سوزه» یا «فاعل شناسا» امکان‌پذیر نیست. بدیهی است که شاید هیچ‌گاه نتوانیم در روشنائی کافی نظاره‌گر همه اتفاقات این دوران باشیم، زیرا که هر کدام از ما انسان‌ها در این دوران مهم گرچه مشترکات گونه‌ای همگانی داریم، اما از همان آغازین اوقات ابراز وجود خود نیز تجربیات منحصره‌فرد و بی‌همتایی را پشت سر می‌گذاریم که تکرارشدنی و به‌یادآوردنی نیستند.

بدیهی است که این تجربیات، هر کدام از ما را به پدیده‌ای بی‌نظیر تبدیل کند. برعکس آنچه متفکران و پژوهشگران گذشته تصور می‌کردند، تجربیات انسان‌ساز ما بعد از تولد شروع نمی‌شود، بلکه هنگامی که هنوز سه‌ماهه دوم و سوم جنینی را در رحم مادر سپری می‌کنیم، آغاز به آزمودن خود در رابطه با دیگری می‌کنیم. در این دوران ما حداقل ابرار را برای تجربه‌کردن زندگی داریم. در این دوران، به‌تدریج صاحب دستگاه اولیه تمیز عاطفی هیجانی مناسب می‌شویم که بتوانیم حس‌های پنج‌گانه خود را یکپارچه در خدمت هدایت حرکات تئانه منتخب خود قرار دهیم. در این فرایند به‌تدریج یاد می‌گیریم که چگونه اقصی‌نقاط جغرافیایی پیچیده ن خود را در پیوندی حسی- حرکتی، در هماهنگی با تشکیلات

پشت تاریخ

به مناسبت روز یادبود قربانیان هولوکاست

تهدید نژادپرستی در سراسر دنیا

یافت نمی‌شود که بتوان به‌خطر آن نسل‌سوزی و جنایت هولناک، پوزش خواست. ما در زمان خود شاهد جنایات هولناک داعشیون بودیم که چگونه با برتری‌انکاری خودشان، شیعیان و ایزدی‌ها و آرامی‌ها را از دم تیغ گذراندند و به بردگی گرفتند و در کوره انداختند و با سرشکستگی و خفت هنگام شکست گریختند. یادبود هولوکاست فقط به قربانیان آن برنامه یلید تعلق ندارد؛ باید یادآور همه بی‌عدالتی‌های نژادپرستانه‌ای باشد که علیه کولی‌ها، ایزدی‌ها، شیعیان، مسیحیان، روهینگایی‌های برمه، تا پرسد به سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه ترامپ در آمریکای مدعی آزادی انجام شده است و هنوز هم ادامه دارد.

مغز اجتماعی- ۵۳

نگاهی به تاریکی پشت سر

ابتدا برای تعامل اجتماعی آمادگی دارد و در سرشت خود موجودی شدیداً اجتماعی است و می‌تواند خود را از طریق ابراز هیجانات در معرض احساسات همدلانه با دیگران قرار دهد. در این راستا، کشف نظام نروان‌های آینده‌ای در مغز نیز تأییدگر وجود این استعداد اجتماعی انسان و خصلت اولیه یادگیری از راه تقلید مستقیم توانایی‌های فرهنگی و آمادگی مغز برای پرورش در محیط اجتماعی است و نشان می‌دهد که تن ما قابلیت و استطاعت دارد تا بتواند از طریق تکوین تدریجی مغز، از استطاعت و قابلیت‌های محیط اجتماعی فرهنگی‌مان بهره کافی ببرد.

ادراک با تجربه رشد می‌کند، اما تجربه از شکم مادر شروع می‌شود و آنچه فطری است، تجربی هم هست. او شاید بتواند ژنتیک به معنای نفی تجربه نیست، چون کلید روشن و خاموش شدن زن‌ها به دست شرایط محیطی رشد است. بنابراین شکل‌گیری ادراک اولیه در جنین به معنای پردازش اطلاعات حسی تنها در دستگاه درون مغزی نیست، بلکه نتیجه تعامل بین بدن با محیط زیست است.

در این دوران آنست که هسته «من» یا «سوزه» یا «فاعل شناسا»ی نارس کودک به‌تدریج در رویارویی با «من» یا «سوزه» یا «فاعل شناسایی» که «تو» به‌عبارتی «دیگری» است، از طریق ردوبدل‌شدن هیجانات و احساسات شکل می‌گیرد و ارتباط بین‌ذهنی اولیه معنا پیدا می‌کند. جوهر این تجربه آغازین هستی انسانی را شاید بتوان در این شعر عاشقانه شاملو جست که می‌گوید: «... آینده‌ای در برابر آینده می‌گذارم/ تا از تو/ ابدیتی بسازم...».

در انتها اینکه شواهد فوق نیز همه دال بر باطل‌بودن باور دکارتی از بیرون‌دمیده‌شدن ذهن در جسم و جدایی ماهوی تن از ذهن است. این مشاهدات علمی گواه بر این است که ذهن در ابتدایی‌ترین شکل در دوران تکوین نوعی انسان، خاستگاهی جز تن زنده و فعال در عالی‌ترین و پیچیده‌ترین شکل ممکن روی کره‌زمین ندارد. انسان نون به دنبال این مهم، می‌باید تفکر دولیستی (دوگانه‌بندار) حاکم در نظام‌های سرمایه‌داری جهان را به‌طور ریشه‌ای مورد تجدیدنظر قرار دهد و چپ‌سلا نباشد را براندازد تا بتواند طرحی نو در فرهنگ بشری، بنیاداز.

تجربه دیگران

خطر دیوار ترامپ برای حیات‌وحش

این پژوهشگر، حتی بعضی از پرندگان که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند، مانند یک نوع جغد کیماب ممکن است دچار مشکل شوند. این جانوران باید بتوانند برای پیداکردن غذا و جفت تحرک داشته باشند و در صورت وقوع آتش‌سوزی یا بیماری با مشکلات ناشی از تغییر آب‌وهوا ناچار به جست‌وجوی سرپناه جدید و مناسب خواهند شد.

مسئله دیگر اینکه حتی حشرات و گیاهان نیز تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. پژوهشگران دانشگاه تگزاس از انواع حشرات که در ارتفاع پایین می‌پرند و همچنین پروانه‌ها و به‌تبع آنها کاکتوس‌ها را برشمردند که این دیوار در زیستگاه آنها مشکل ایجاد می‌کند، چون حتی کرده‌افشانی را مختل می‌کند؛ مشکلاتی که روشنایی شبانه و آلودگی نوری برای حیوانات شب‌زی ایجاد می‌کند، به گفته یک پژوهشگر «سبب قتل‌عام بعضی گونه‌ها خواهد شد». نکته دیگر، مشکل تقسیم پناهگاه‌های حیوانات شده حیات‌وحش مختل شده است که ساخت‌وساز در این منطقه در آنها اختلال درست می‌کند، مانند «مرکز ملی پروانه‌ها» و «سیستم پناهگاهی حیات‌وحش ملی». مسئله دیگر کاهش درآمدهای ناشی از اکوتوریسم و کم‌شدن جاذبه‌های گردشگری به‌ویژه برای ماهیگیران در منطقه مرزی است که بسیاری از مشاغل مربوط به این حوزه را در منطقه تهدید می‌کند. نویسنده در پایان به نقل از دانشمندان علوم زیستی امضاکننده نامه‌ای علیه دیوارکشی آورده است: «امنیت ملی را می‌توان به باید به شیوه‌ای دنبال کرد که میراث طبیعی‌ما حفظ شود».



نویسنده به مقاله‌ای که سال گذشته در مجله بیوساینس منتشر شده و بیش از دوهزارو ۹۰۰ دانشمند آن را امضا کرده‌اند، اشاره کرده که در آن اعلام شده است برنامه دولت «برخی از مناطق دارای بیشترین تنوع زیست‌شناختی این قاره را با دیوارکشی از حرکت آزاد بسیاری از گونه‌ها و کمک به ایجاد سیلاب‌ها، در معرض تهدید قرار خواهد داد». طبق مندرجات مقاله یادشده بیش از هزارو ۵۰۰ گونه بومی جانوری و گیاهی از این دیوار آسیب خواهند دید که از این میان ۶۲ گونه در فهرست در معرض خطر یا آسیب‌پذیر قرار دارند.

نویسنده برخی از آثار مخرب در دیوار مرزی برای حیات‌وحش را برشمرده است. قطع مسیر رفت‌وآمد حیوانات یکی از این آثار است که به‌گفته یک پژوهشگر دانشگاه آریزونا گرچه انسان‌ها راه گریزی از محدودیت‌های دیوار پیدا می‌کنند، بسیاری از چهرپایان را با دشواری مواجه خواهد کرد. به‌گفته